

افغانستان آزاد - آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

محمد عمر قریشی - کابل

۱۶ مارچ ۲۰۲۲

دامن زدن به تضاد های درون خلق !

سه شنبه - ۲۴ حوت - ۱۴۰۰ - کابل: از طریق رسانه ها مطلع شدیم که باز هم "امیر غایب" در "نظام ملاسالار" در چهارده ماده فرمانی صادر نموده که دو قسمت اساسی آن را امر به معروف و نهی از منکر با عبارات "عبادت، تقوا، عدالت، کمک به مردم مصیبت زده، پرهیز از کبر و غرور و شقاوت" و ماده دیگر "از قومپرستی، منطقه پرستی، زبان پرستی و رفیق پرستی اکیدا پرهیز کنید." می سازد. در یادداشت امروز مکثی کوتاهی در همین زمینه خواهیم داشت:

۱- از آنجائی که "امر به معروف و نهی از منکر" یعنی دستور به انجام کار نیک و پرهیز از کار بد نه تنها در اسلام و بقیه ادیان ابراهیمی و در سایر ادیان جایگاه خاص خود را دارند، بلکه چه از لحاظ اخلاقی اجتماعی و چه هم به مثابه دستاورد اداری در همه حال امر معمول و پسندیده است و در هر نظامی رهبران نظام هرازگاهی با ملاحظه برخی از مشکلات و کاستی ها در جامعه و حاکمیت، هم به مثابه نصیحت و توصیه و هم به مثابه دستور العمل، از کارمندان و مردم می خواهند تا متوجه کردار و رفتار شان باشند، لذا دستورهای اخیر "امیر غایب" طالب، می توانست کاملاً عادی تلقی گردد؛ مگر اوضاع سیاسی و اجتماعی کشور می رساند، که چنین دستور هائی یک مشوره عادی "بسه کوه بد مه کوه" نیست، بلکه ناخواسته اذعان به معایبی از قبیل ضدیت با زبان فارسی دری، کشتار بیدریغ جوانان غیر پشتون، هتک حرمت خانواده های غیر پشتون حین خانه پالی ها، کنار گذاشتن قومندانان طالب بر مبنای تعلقات قومی غیر پشتونی آنها، زور گوئی ها و تفرعن افراد طالب و ... است که در جامعه بیداد می کنند.

۲- اذعان "امیر غایب" به این که در کشور "قوم پرستی، منطقه پرستی، زبان پرستی و ..." وجود دارد که می باید از میان برداشته شوند، همان دستور به انجام کار خیر است، مگر این که چرا چنین وضعیتی به وجود آمده و چرا چنین برخورد های ضد منافع ملی صورت می گیرد و چه کس و یا نهادی آنچه را ما به مثابه تضاد های درون خلق می شناسیم و قاعدتاً آشتی پذیراند، دامن می زنند تا آن را به مقام آشتی ناپذیری برسانند، مسأله ایست که از دو حال و احتمال خارج نیست.

الف - احتمال نخست آن است که از یک جانب قدرت تأثیر خود را بر جا گذاشته، نیروهای طالب را به همان سان که "امیر غایب" می گوید به "کبر، غرور و شقاوت" سوق داده است و از جانب دیگر نیروهای ضد ملی شوینست و تمامیتخواه از قماش "یون" و دار و دسته اش، با سوء استفاده از نیازمندیهای طالب در زمینه اداری، عملاً شوینسم و

عظمت طلبی قومی را در یک کشوری دامن می زنند که از اقوام مختلف و متعدد به وجود آمده است. در چنین صورتی احتمال این که افراد طالب و قومندانه‌های سطح پائین و حتا متوسط و بالای آن متوجه نیات "امیر غایب" شان شده، به سیاست ها و برخورد های ضد ملی شان خاتمه داده، افراد ناباب ناقل چنین میکروب هائی را از صفوف خود طرد نمایند، امکان کاستن از حدت تضادهای درون خلق را مساعد می سازد؛

ب - حالت دوم آن است که نهاد های داخلی و خارجی از طریق دامن زدن به چنین تضاد هائی و استفاده ابزاری از قوم پرستی، منطقه پرستی، مذهب گرایی، زبان پرستی و ... وحدت مردم را هدف قرار داده، خواسته باشند بدین وسیله افغانستان را در مرداب و گرداب تضاد های قومی، مذهبی، زبانی و منطقه ئی غرق و جنگ جدید و ویرانگر دیگری را زمینه چینی نموده باشند.

هموطنان گرامی!

با صراحت می باید گفت که به همان سان که تمام باشندگان این میهن، شهروند این کشور اند و هیچ کسی حق ندارد حق شهروندی آنها را سلب نماید، تمام زبانها، سنن و ویژگی های فرهنگی آنها نیز مالکیت این کشور بوده، هیچ کسی به هیچ عنوان و بهانه ای حق ندارد آنها را بیگانه و غیر خودی معرفی بدارد.

هموطنان گرامی!

بیگانه و غیر خودی در افغانستان آنهایی اند که به منافع و خواست بیگانگان، منافع علیای کشور را نادیده گرفته و ضمن زیر پای نمودن آن، بر روی مردم کشور شمشیر می کشد. بیگانه آنهایی اند که میلیونها هموطن ما را بیگانه معرفی می دارند، بیگانه تاجیکی است که پشتون و هزاره و ازبیک را بیگانه می داند، بیگانه پشتونبست که بقیه اقوام را بیگانه معرفی می دارد، بیگانه آنهایی اند که به جای تلاش جهت تأمین وحدت بین مردم، تضاد های درونی خلق را دامن زده، آب به آسیاب امپریالیسم و ارتجاع می ریزند.

مبارزه علیه امپریالیسم، جزء لاینفک مبارزه علیه ارتجاع در کل

و ارتجاع هار مذهبی- طالبی به صورت خاص می باشد

تشکل و تسلیح نیاز و خواست زمان ما!